

مه‌ار روند شتابناک فرسایش خاک

پاسداشت حرمت زمین است

هومان خاکپور

■ نوع مدیریت و شیوه‌های بهره‌برداری از زمین نشان‌دهنده سیاست‌گذاری مردمان هر سرزمینی از زمین و منابع و ذخایر طبیعی آن است. نرخ فرسایش خاک و روند افت سطح آب‌های زیرزمینی رami توان از مهم‌ترین شاخص‌های پاسداشت حرمت زمین دانسته و کیفیت مدیریت سرزمینی را با این شاخص‌های راهبردی ارزشیابی کرد. «روز جهانی زمین پاک» که هر ساله در ۲۲ آوریل مصادف با دوم اردیبهشت در تمام دنیا برگزار می‌شود و حفظ کره خاکی را به یاد همه مردمان روی زمین می‌آورد، فرصت خوبی برای بررسی عملکردها در برخورد با سیاره خود «زمین» خواهد بود.

اما یکی از فاجعه‌بارترین رخدادهای محیط زیستی سال‌های اخیر در کشور ما ایران، نرخ بالای فرسایش خاک و رسیدن ایران به صدر فهرست کشورهای رودررو با فاجعه‌از دست دادن خاک خود است؛ ماجرای نگران‌کننده‌ای که در طول تاریخ بی‌نظیر بوده و حکایت از روند شتابناک افزایش نرخ فرسایش خاک، نابودی خاموش بستر حیات گیاهی و جانوری در کشور و بالاترین سطح از بی‌توجهی ما به زمین و مواهب آن است.

یادمان باشد که از دست رفتن خاک و نابودی بستر حیات گیاهی و جانوری در کشورمان، پدیده‌ای انسان‌ساز است که ریشه در نامدیریتی سرزمینی و شیوه‌های نادرست بهره‌برداری از زمین دارد. نابودی پوشش گیاهی، عدم ساماندهی شیوه‌های دامداری سنتنی، تبدیل غیراصولی مراتع به دیم‌زارهای کم‌بازده، تخریب رویشگاه‌های جنگلی و زراعت در زیراشکوب جنگل‌ها، مهضل سوخته‌های هیزمی و عدم توجه جدی به تأمین سوخت فسیلی موردنیاز در روستاهای کشاورزی سنتی و شیوه‌های نادرست شخم و آماده کردن زمین، شیوه‌های غلط آبیاری و عدم توجه س‌سوارو به فعالیت‌های آبخیزداری و حفاظت خاک از جمله عواملی هستند که سبب شده‌اند تا نرخ فرسایش خاک در کشور این‌گونه شتابناک و نگران‌کننده شود.

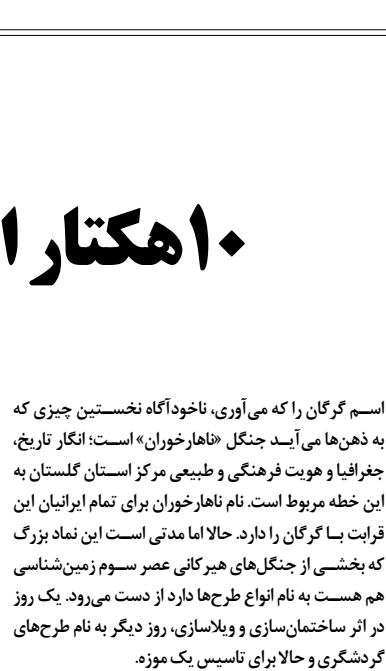
سطح آب‌های زیرزمینی نیز یکی از مهم‌ترین شاخص‌های یابداری و پاسداشت زمین است که شوربخته میزان افت این سطح در منابع آبی زیرزمینی کشور و روند منفی آن در سال‌های اخیر بسیار نگران‌کننده و تهدیدآمیز به‌نظر می‌رسد؛ فاجعه‌ای زیست‌محیطی که مهم‌ترین عوامل وقوع آن، توسعه ناپایدار، برداشت‌های بی‌رویه آب از منابع زیر زمینی، تخریب پوشش گیاهی و جنگل‌ها، عدم توجه س‌سوارو به فعالیت‌های ارزان‌قیمت آبخیزداری و آبخوان‌داری و توسعه‌نیافتگی بخش کشاورزی بوده و رخداد فرونشست زمین را به دنبال خود داشت. فراموش نکنیم که پدیده «فرونشت زمین» آخرین مرحله از بیابان‌زایی و غیرقابل برگشت بوده و نهایت بی‌حرمتی به زمین است که در سطح‌های کوچک به شکل فروچاله یا فرونشست‌های وسیع نمود پیدا می‌کند. بر اساس آمار شرکت مدیریت منابع آب کشور، طی ۳۰ سال (سال‌های ۱۹۷۱ تا ۲۰۰۱) سطح آب‌های زیرزمینی در کشور حدود ۱۵ متر کاهش یافته – یعنی به طور متوسط نیم‌متر کاهش در هر سال – و متأسفانه در دهه اخیر (از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۱) این روند کاهش، شتابی نگران‌کننده‌تر به خود گرفته و به ۷۰ سانتیمتر کاهش در سال رسیده است. رها شدن زباله‌های جامد در طبیعت و فاضلاب‌های صنعتی و خانگی در منابع آبی نیز یکی از آشکارترین نشانه‌های ناخردی در رفتار با زمین و آب و خاک وطن است. دفن غیراصولی و غیربهداشتی زباله‌های خانگی و بیمارستانی توسط نهادهای متولی، رها کردن زباله‌ها در مناطق گردشگری و حاشیه سکونت‌گاه‌ها، استفاده غیراصولی از سموم کشاورزی و نفوذ پساب‌ها و آلودگی منابع آبی، ورود فاضلاب‌های صنعتی و خانگی و آلوده کردن آب‌های سطحی و زیرزمینی نمونه‌هایی آشکار از بی‌حرمتی به پاکی زمین بوده که شوربخته؛ زمین بسیاری از مناطق کشور از آن رنج می‌برد.

خبر

امام جمعه خرم‌آباد:

آلوده‌کردن محیط‌زیست از مصادیق فساد فی‌الارض است

■ سبزی‌پرس؛ امام‌جمعه خرم آباد آلوده‌کردن محیط‌زیست را از مصادیق «فساد فی‌الارض» برشمرد.
حجت‌الاسلام/المسلمین «سید احمد میرعمادی» جمع کارکنان اداره کل حفاظت محیط‌زیست لرستان و فعالان محیط‌زیست این استان، با تأکید بر اهمیت موضوع «زمین پاک» اظهار داشت: این امر موضوعی است که متأسفانه در برهه‌ای از زمان مورد بی‌مهری و بی‌توجهی قرار گرفته است. او با تأکید بر اینکه قوانین محیط‌زیست مانع تولید و مصرف کوهنوردان یا به سن فساد روی زمین مصادیق متعددی دارد به طوری که هر چیزی که به پاک بودن زمین آسیب بزند فساد محسوب می‌شود. او گفت: آنچه جای تأسف دارد این است که ما انسان‌ها هم عوامل سالم‌سازی محیط‌زیست مانند جنگل‌ها را از بین می‌بریم و هم عوامل آلودگی محیط‌زیست را ایجاد می‌کنیم.وی با بیان اینکه «زمین» از دو سمت دارد قیچی می‌شود و مورد آسیب قرار می‌گیرد، یادآور شد: نتیجه این روند جز هلاکت چیز دیگری نخواهد بود همان‌گونه که در قرن نازیم عنوان شده که بسیاری از بلاها نتیجه عملکرد خود انسان است.



اسم گرگان را که می‌آوری، ناخودآگاه نخستین چیزی که به ذهن‌ها می‌آید جنگل «ناهارخوران» است؛ انگار تاریخ، جغرافیا و هویت فرهنگی و طبیعی مرکز استان گلستان به این خطه مربوط است. نام ناهارخوران برای تمام ایرانیان این قربایت بسا گرگان را دارد. حالا اما مدتی است این نماد بزرگ که بخشی از جنگل‌های هیرکانی عصر سوم زمین‌شناسی هم هست به نام انواع طرح‌ها دارد از دست می‌رود. یک روز در اثر ساختمان‌سازی و ویلاسازی، روز دیگر به نام طرح‌های گردشگری و حالا برای تاسیس یک موزه.

■ ■ ■

بزرگ‌ترین میراث طبیعی و تاریخی گرگان به دلیل ساخت و سازهای بی‌در و پیکر در خطر تخریب جدی قرار دارد. ناهارخوران در حاشیه جنوبی مرکز استان گلستان که نماد گرگان نیز به حساب می‌آید حالا با نام ساخت موزه در خطر تخریب جدی قرار گرفته است. این در حالی است که استان گلستان به دلیل جاری شدن سیل طی ۱۲ سال گذشته که به زعم غالب کارشناسان، در اثر کاهش سطح پوشش گیاهی منطقه بوده، پرحادثه‌ترین استان کشور نام گرفته است. در همین حال کارشناسان معتقدند اگر روند تخریب‌ها در جنگل‌های گلستان و از جمله ناهارخوران گرگان همچنان ادامه داشته باشد باز هم باید شاهد جاری شدن سیل و رواناب، از دست رفتن جنگل‌ها، فرسایش خاک، رانش زمین و بسیاری دیگر از انواع لایا و حوادث باشیم.

رئیس کمیسیون فرهنگی، اجتماعی و زیست شهری شورای اسلامی شهر گرگان با اشاره به اینکه در صورت ادامه این روند، ناهارخوران را برای همیشه از دست می‌دهیم به شرق گفت: متأسفانه یکی از نهادهای دولتی، قصد تصرف عرصه وسیعی از پارک جنگلی و تاریخی ناهارخوران و ساخت و ساز موزه در این محوطه را دارد. عبدالرضا چراغعلی در ادامه تأکید کرد: در سایه سکوت ادارات و سازمان‌های متولی علاوه بر واگذاری این عرصه ملی که حدود ۱۰ هکتار است که دور آن را فانس کشیده‌اند، چهارمیلیارد تومان هم از اعتبارات استانی و ملی به این ساخت و ساز اختصاصی داده‌اند. در حالی که مطابق مقررات موجود، ساخت و ساز در این محور طبیعی - تاریخی ممنوع است و بسیاری از کارشناسان ساخت و ساز در این مسیر گردش و طبیعی را منجر به نابودی کامل ناهارخوران می‌دانند این استانداردشگاه در ادامه یادآوری کرد: با توجه به اینکه این محوطه بیشتر تفرجگاه و محل استراحت اقدشار ضیف و متوسط شهری است و در طول سال‌ها مردم ارتباطی معنوی با آن پیدا کرده‌اند، ساخت و ساز و تصرف این محوطه، برای مردم قابل قبول و قابل تحمل نیست و بسیاری از مردم به شورا بات آن اعتراض می‌کنند. رئیس کمیسیون فرهنگی، اجتماعی شورای شهر گرگان در ادامه هشدار داد: سکوت مسوولان ذی‌ربط همچون اداره کل منابع طبیعی استان و صدور مجوز قطع درختان ارزشمند منطقه ناهارخوران باعث ادامه روند این تخریب شده است؛ در حالی که درختان بسیار بارزش و نادری در این محل وجود دارد که به لحاظ زیبایی‌سی و ویژگی‌های طبیعی در دنیا منحصر به فرد بوده و عمر بعضی از آنها به چند صد سال می‌رسد و پس از قطع شدن، جایگزینی نخواهند داشت. او می‌افزاید: متأسفانه تاکنون اقدامات و مخالفت‌های ما در این‌باره به جایی نرسیده و اخبار و گزارش‌های رسیده خبر از شروع این پروژه می‌دهد.

منابع طبیعی: مجوز دارند

مدیرکل منابع طبیعی گلستان در پاسخ به این سوال شرق که چگونه ۱۰ هکتار جنگل برای ساخت موزه به یک نهاد واگذار شده به شرق گفت: این مقدار ۱۰ هکتار نیست و حدود شش‌هزار متر است که در سال ۷۳ برای دفن شهدای کهنام به بنیاد حفظ ارزش‌های دفاع مقدس داده شده‌است. آنها تمام مجوزهای لازم را در همان زمان دریافت کرده‌اند و حالا در جنگلی – که خود یک پارادوکس است- و گردشگری انبوه و بی‌ضابطه که ناهارخوران را به شدت در آستانه کاهش کیفیت محیط زیستی قرار داده است، برشمرد. او در ادامه با تأکید بر اینکه ناهارخوران نیازمند یک مدیریت یکپارچه است که تمام مدیریت‌های مذکور را بتواند در خود متمرکز کند، گفت: اگر نهادهای مثل شهرداری مسوول مدیریت ناهارخوران شود باید برنامه‌ای برای مدیریت یکپارچه ناهارخوران داشته باشد تا بتواند تمام حوزه‌ها را پوشش دهد و اگر این پوشش مدیریتی صورت نگیرد ناهارخوران گرگان با توجه به این روند تخریب هم از طرف انبوه گردشگر و هم از طرف دست‌اندازی‌هایی که به اراضی آن می‌شود، به زودی از بین خواهد رفت.

فصل کوهپیمایی‌های بهاره و تابستانی در طبیعت ایران فرارسییده است. به گمانم جز اینکه به یکدیگر یادآوری کنیم ورود، حضور و خروج از عرصه‌های طبیعی نیاز به دانش، دقت و حساسیت بالایی دارد چاره دیگری نداریم. متولیان عرصه‌های طبیعی وظایف ذاتی خود را به درستی انجام نمی‌دهند. قوانین بزرگ به سادگی نقض می‌شود و درست به همین دلیل ما باید به رعایت همین قواعد کوچکی که می‌توانیم رعایت‌شان کنیم، بافشاری کنیم. همین که یک کوله‌پشتی به دوش بگیریم و کفشی به پا کنیم اهل طبیعت نشده‌ایم. باور کنیم که نیاز به دانستن بسیاری چیزها داریم. برخلاف آنچه در نگاه نخست به نظر می‌رسد، آدم‌های اهل طبیعت از مهم‌ترین مخربین آن محسوب می‌شوند. کافی است انبان انباشته از سبزی‌های کوهی کوهنوردان یا به سن گذاشته را در یک بعدازظهر بهاری در میدان سربند تهران به تماشا بایستید تا کمی به این جمله ابتدایی من‌بیندیشید.

اینکه چرا این اتفاق رخ می‌دهد از نظرگاه‌های گوناگونی قابل تگریستن است. یک منظر، دیدگاه جامعه‌شناختی است که شاید به رفتارهای ویژه نسل‌ها و برخی ارتباط‌های ویژه در ساخت جوامع نظر داشته باشد. الگوهای تربیتی گروه‌های مختلف اجتماعی نیز می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. برخی تحلیل‌های پیچیده‌تر روانشناختی را هم می‌توان به این داستان چسباند. فعلا به بیان چند تجربه- و یک تلنگر کوتاه

محیط‌زیست

برای تاسیس موزه توسط یکی از نهادهای دولتی در استان گلستان

۱۰هکتار از جنگل‌های «ناهارخوران» تخریب می‌شود

الیه موسوی



شروع تخریب در جنگل ناهارخوران

دارد و این ساخت و ساز گسترده، مخرب و بی‌سابقه نزد مردم شهر گرگان و منطقه، ذهنیت و تبعات بسیار منفی ایجاد کرده است تا جایی که حجم عجیب خاکبرداری در دل جنگل کارشناسان منابع طبیعی را نیز حیرت‌زده کرده است. ۳- در حالی که به فاصله چند دقیقه از شهر گرگان، زمین‌های غیرجنگلی و حتی کم‌بازده وجود دارد، انتخاب و اصرار بر تخریب یک عرصه کاملاً طبیعی و جنگلی و همچنین عدم پاسخ‌گویی و تهدیدهای امنیتی در برابر سوالات مردم شایعه‌های زیادی را گمانه می‌زند. عرصه جنگل‌های انبوه شمال کشور یادآور کدام یک از مناطق عملیاتی دوران دفاع مقدس است؟! حقیر به عنوان رزمنده و جانباز دفاع مقدس و بسیاری از هم‌رزانم شباهتی در این شبیه‌سازی مخرب نمی‌بینیم. جالب اینجاست برخی از افراد کلیدی این ساخت و ساز اساساً فاقد تجربه حضور در جبهه‌ها هستند!

۴- شبیه‌سازی و ایجاد موزه جنگ امری واجب جهت آشنایی نسل‌ها با رشادت‌ها و آرمان‌های فرزندان این خاک برای تدلوم آن است تا بدانند که چه خون‌های پاک‌ی برای حفظ این جنگل‌ها و عرصه‌ها بر زمین ریخته شده است. آیا تخریب جنگل، نقض غرض در معرفی آرمان شهدائینست؟ ۵- در حالی که بودجه میلیاردی تخصیصی و احداث موزه می‌تواند باعث رونق منطقه‌ای محروم شود، چه ذهنیتی از چنین حرکتی و احتمالاً ساخت و سازهای غیرعمومی بعدی در بهترین چشم‌اندازهای طبیعی نزد افواه عمومی ایجاد می‌شود؟ از این رو مستدعی است با عنایت به فضای منفی ایجادشده نزد مردم مومن و ولایت‌مدار منطقه علی‌الخصوص کوهنوردان و علاقه‌مندان به محیط‌زیست و منابع طبیعی درخصوص این اقدام و عدم پاسخ‌گویی نهاد مذکور و به استناد فرمایشات صریح مقام معظزه‌رهبری درخصوص صیانت از جنگل‌ها و منابع طبیعی ترتیبی اتخاذ فرمایید تا موضوع مورد بررسی قرار گیرد تا شاید با تدبیر معظم له در اعتماد مردم به نهادهای نظامی، انقلابی و نظام مقدس جمهوری اسلامی لطمه‌ای وارد نشود.

استمداد از رئیس دفتر بازرسی ویژه مقام رهبری

عبدالرضا چراغعلی عضو شورای شهر گرگان که معتقد است اجرای طرح ساخت موزه توسط یکی از نهادهای مغایر فرمایشات و تصریح مقام معظم رهبری در ارتباط با صیانت از جنگل‌ها و منابع طبیعی است با ارسال نامه‌ای به ناطق نوری، رئیس دفتر بازرسی ویژه مقام معظم رهبری طلب کمک و رسیدگی کرده است. متن این نامه به شرح زیر است:

بیش از دو سال است که یکی از نهادهای استان گلستان حدود ۱۰هکتار از اراضی جنگلی را در ارتفاعات و دل جنگل‌های طبیعی و بکر ناهارخوران گرگان به بهانه تاسیس موزه محصور کرده و بی‌توجه به مخالفت‌های مردمی، اخیراً به قطع درختان و خاکبرداری عجیب و بی‌سابقه در این منطقه جنگلی (نورالشهدا) جهت ساخت و ساز اقدام نموده است. در این رابطه مواردی چند به استحضار می‌رسد:

۱- شواهد حاکی از عزم این نهاد نظامی جهت ساخت و ساز گسترده یک مجموعه اختصاصی این نهاد به بهانه احداث موزه است. این مجموعه با دست‌اندازی و تسخیر در محدوده‌ای از عرصه‌های منابع

طبیعی و ملی است که همواره مورد نظر سودجویان و زمین‌خواران برای تخریب و ساخت و ساز بوده و از سوی مردم و مسوولان محلی صیانت شده است. تا جایی که خانه ساخته‌شده در همین محدوده تا حکم تخریب از سوی نهادهای ذی‌ربط پیش رفته است. اما اکنون با شروع این ساخت و ساز بهانه برای حملات مجدد سودجویان به این عرصه‌های جنگلی باز می‌شود.

۲- اقدام نهاد مذکور مغایر فرمایشات و تصریح مقام معظم رهبری در ارتباط با صیانت از جنگل‌ها و منابع طبیعی (فرمایشات معظم له در روز درختکاری) است. این در حالی است که این نهاد مستقیماً زیر نظر مقام معظم رهبری قرار دارد و این اقدام، جهت ساخت و ساز گسترده، مخرب و بی‌سابقه نزد مردم شهر گرگان و منطقه، ذهنیت و تبعات بسیار منفی ایجاد کرده است تا جایی که حجم عجیب خاکبرداری در دل جنگل کارشناسان منابع طبیعی را نیز حیرت‌زده کرده است. ۳- در حالی که به فاصله چند دقیقه از شهر گرگان، زمین‌های غیرجنگلی و حتی کم‌بازده وجود دارد، انتخاب و اصرار بر تخریب یک عرصه کاملاً طبیعی و جنگلی و همچنین عدم پاسخ‌گویی و تهدیدهای امنیتی در برابر سوالات مردم شایعه‌های زیادی را گمانه می‌زند. عرصه جنگل‌های انبوه شمال کشور یادآور کدام یک از مناطق عملیاتی دوران دفاع مقدس است؟! حقیر به عنوان رزمنده و جانباز دفاع مقدس و بسیاری از هم‌رزانم شباهتی در این شبیه‌سازی مخرب نمی‌بینیم. جالب اینجاست برخی از افراد کلیدی این ساخت و ساز اساساً فاقد تجربه حضور در جبهه‌ها هستند!

۴- شبیه‌سازی و ایجاد موزه جنگ امری واجب جهت آشنایی نسل‌ها با رشادت‌ها و آرمان‌های فرزندان این خاک برای تدلوم آن است تا بدانند که چه خون‌های پاک‌ی برای حفظ این جنگل‌ها و عرصه‌ها بر زمین ریخته شده است. آیا تخریب جنگل، نقض غرض در معرفی آرمان شهدائینست؟ ۵- در حالی که بودجه میلیاردی تخصیصی و احداث موزه می‌تواند باعث رونق منطقه‌ای محروم شود، چه ذهنیتی از چنین حرکتی و احتمالاً ساخت و سازهای غیرعمومی بعدی در بهترین چشم‌اندازهای طبیعی نزد افواه عمومی ایجاد می‌شود؟ از این رو مستدعی است با عنایت به فضای منفی ایجادشده نزد مردم مومن و ولایت‌مدار منطقه علی‌الخصوص کوهنوردان و علاقه‌مندان به محیط‌زیست و منابع طبیعی درخصوص این اقدام و عدم پاسخ‌گویی نهاد مذکور و به استناد فرمایشات صریح مقام معظزه‌رهبری درخصوص صیانت از جنگل‌ها و منابع طبیعی ترتیبی اتخاذ فرمایید تا موضوع مورد بررسی قرار گیرد تا شاید با تدبیر معظم له در اعتماد مردم به نهادهای نظامی، انقلابی و نظام مقدس جمهوری اسلامی لطمه‌ای وارد نشود.

نظر می‌رسد که از دیدن دوباره چند آدم از خود راضی که همه‌جا هستند و حتی در دل این طبیعت پاک هم دست از سر آنها برنمی‌دارند، زیاد خوشحال نیستند. یکی از اعضای گروه به سراغ ما می‌آید تا اعلام کند که در کل بسا نظر من درباره باز نکردن راهی تازه در مسیریکه یک جاده دارد به پهنای عبور یک کامیون موافق است اما نباید زیاد افراطی بود. چند نفر به او ملحق می‌شوند. جمله‌ها تکراری است: «این همه راه آمده‌ایم که از یک جاده ماشین‌رو به قله برسیم؟» «با احساس واقعی حضور در طبیعت که این همه راه دنبالش آمده‌ایم چه کنیم؟» جمله‌ها زیاد است. اما جان کلام این است، من حق ویژه‌ای دارم که از طبیعت هر طور که دوست دارم استفاده کنم. دیدگاه همان است که بز کوهی را تنها یک نشانه برای شلیک یک گلوله تصور می‌کند. کوه سازه‌ای است که باید به زیر پای من بیاید. من حق دارم آن را فتح کنم. از هر سینه‌کشی خواستم بالا بروم تا حس انسان قانع را در خودم زنده نگه دارم. طبیعت منبعی است که من تصمیم می‌گیرم چگونگی و در چه زمانی از آن چه استفاده‌ای کنم. طبیعت‌روها مخربان اصلی برخی از دست نیافتنی‌ترین عرصه‌های طبیعی هستند. دوستانی که در اوایل دهه ۷۰ از قله باشکوه دماوند چند گونی قوطی‌های خالی کنسرو جمع کردند و به پایین آوردند، واقعیت این جمله را خوب درک می‌کنند.

دوستانی که بسا هم در «حصار چال» چادر زدیم در یک عصر تابستانی دور، شاهد یک خرمن بزرگ از گون‌هایی بودند که یک گروه هشت‌نفره از کوهنوردان برای دم کردن چای، از طبیعت بی‌مانند تخت‌سلیمان درو کرده بودند. واکنش طعنه‌آمیز آنها به پرسش‌ها درباره لطمه‌ای که به پوشش گیاهی منطقه وارد می‌شود

احیای نژاد ببر در ایران مورد تأیید همه مجامع بین‌المللی زیست‌محیطی است

■ در پاسخ به درج مطلبی با عنوان «به زودی احیای کانگورو و ایگوانای مازندران» به تاریخ ۱۳۹۰/۱۲/۱۴ در صفحه ۱۳ روزنامه «شرق»، مشاور امور رسانه‌ای و اطلاع‌رسانی سازمان محیط زیست جوابیه‌ای به روزنامه ارسال کرده است که در ذیل می‌آید.

چندی است از سوی روزنامه شرق مجموعه‌هایی علیه تصمیم سازمان حفاظت محیط‌زیست برای انتقال ببر آمور به کشورمان مطرح شده است؛ اظهاراتی که به راستی مشخص نیست از قول چه کسانی و چه متخصصانی گفته شده است. اما آنچه مشخص است اولاً بیان‌کننده این سخنان هیچ تخصصی و اطلاعاتی در مورد مسایل زیست‌محیطی ندارد و ثانیاً این اظهارات غیرکارشناسی، با ادبیات مناسبی به تحریر درنیماده است.

به‌راستی اگر ادعای کارشناس بودن و حرفه‌ای بودن داریم باید مباحث اخلاقی را در انتقادات رعایت کرده و هرگز در مباحث زیست‌محیطی، مسایل سیاسی را دخیل نکنیم زیرا بدون شک متخصصان مباحث زیست‌محیطی از اخلاقی خوب و حرفه‌ای برخوردار بوده و در بیان انتقادات نیز جانب انصاف را رها نخواهند کرد. بنابراین مطلب بیان‌شده در روزنامه شرق از زبان کارشناسان امر محیط‌زیست نوشته شده است و بی‌شک نگارنده اطلاعات لازم را در زمینه حیات‌وحش دارا نیست.

نکته جالب‌توجهی که در نقدغیر منصفانه برخی اصحاب رسانه و متخصصان به چشم می‌خورد این است که در ابتدای ورود ببرها از روسیه به ایران همین افراد می‌گفتند که این ببرها باید به باغ‌وحش تحویل داده شوند چون این ببرها باغ‌وحشی هستند. اما زمانی که ببرها به جهت آماده نبودن میانگاله برای مدتی به باغ‌وحش ارم تحویل داده شدند، دوباره همین افراد فریاد سر دادند که چرا آن را به باغ‌وحش تحویل داده‌اید.

باید دانست که باغ‌وحش‌ها نیز ضمانتی برعهده دارد. مباحث آموزشی، پژوهشی، جلب افکار عمومی برای حفاظت و.. از جمله رسالت‌های باغ‌وحش‌هاست و نباید باغ‌وحش‌ها را جدا از سازمان محیط‌زیست بلکه آنها را به عنوان یک حلقه حفاظتی دیده و از آنها حمایت کرد. همچنین در مساله بیمار شدن ببرها در اثر تغذیه از گوشت آلوده باید دقت‌نشان کرد که چنین اتفاقی در همه جای دنیا رخ می‌دهد و چیز عجیب و غریبی نیست چون ما با موجودات زنده سروکار داریم و بیماری و مرگ و میر جزئی از کار با این موجودات است و تمام کسانی که در این زمینه فعالیت دارند به این امر واقف هستند و حاشیه‌پردازی و بزرگ‌منصی چنین امور طبیعی نشان از عدم آشنایی و تخصص نگارنده خواهد بود. انتظار می‌رود اگر این خبرنگاران و متخصصان دل‌شان برای حفظ محیط‌زیست و حیات‌وحش می‌سوزد به جای حاشیه‌پردازی، در راستای تئویر افکار عمومی به منظور حفظ حیات‌وحش و محیط‌زیست تلاش کنند نه اینکه بیشتر در گیر مسایل جزئی باشند.

اما در رابطه با انتقال ببر آمور به کشورمان آنچه قبلاً از سوی کارشناسان سازمان محیط‌زیست گفته شده این است که نتایج بررسی‌های ژنتیکی و تبارشناختی که روی زیرگونه‌های ببر در دنیا انجام شده بااینکه این مساله است که محقق تحقیقات علمی با آزمون و خطا همراه است. مهم این است که جرات پذیرش خطر در چنین کارهایی وجود داشته باشد.

در دنیا معرفی گوشتخواران به طبیعت با دشواری‌ها و سختی‌های بسیاری همراه بوده اما هیچ وقت کارشناسان محیط‌زیست در مورد احیای گونه‌های منقرض‌شده و معرفی آنها به طبیعت نامیدنیستند.

کارشناسان حیات‌وحش در کشور به این امر واقفند که هر قساله ببر حدود ۲۰هزار هکتار قلمرو نیاز دارد و در یک جمعیت پویا و پایدار باید حداقل ۱۰ قلاده ببر وجود داشته بنابراین این جمعیت به حداقل یک زیستگاه ۵۰۰هزارهکتاری در کشور نیاز دارد.

چنین مواردی هرگز مورد کوتاهی یا غفلت واقع نشده است اما سیاستی که در کوتاهمدت و میان‌مدت توسط سازمان محیط‌زیست دنبال می‌شود این است که ببری به ایران آورده شود که نزدیک‌ترین ببر به میر مازندران باشد تا از ارزش‌های زیباشناختی، آموزشی و تحقیقاتی این گونه استفاده شود؛ اقدامی که در همه ملل توسعه‌یافته دنیا در حال انجام است.

سازمان حفاظت محیط‌زیست چنین انتقاداتی را تا حدی مغرضانه دانسته و معتقد است اگر کسانی معتقد به دل‌شان برای محیط‌زیست ایران می‌تد ضمن انتقادات فنی، پیشنهادات سازنده خود را نیز ارایه دهند. این سازمان با آغوش باز پذیرای انتقادات و نظرات این عزیزان خواهد بود. از طرفی دیگر اقدامات بسیار ارزشمندی در کشورمان برای حفاظت از تنوع زیست اجزایی و در حال انجام است که از دید روزنامه‌بازان دور مانده است یا شاید روزنامه محترم شرق بیش از آنکه دغدغه محیط‌زیستی داشته باشد، فروش روزنامه و بازگشت به کبکیه و دبیده گذشته خود را طالب است!